

خیلواکی



استقلال

www.esteghlal.net

شنبه ۲۶ دسامبر ۲۰۲۰

فدراسیون فارو



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

**Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe**

## تجاوز شش جدی، نظر روسها و نقش ابرقدرت رقیب

۲۴ دسمبر ۲۰۲۰

در اینکه لشکر کشی روسها برای افغانستان و مردم آن فاجعه بار بود، کمتر کسی در جهان تردید دارد. اما در فرجام ده سال اشغال، سرکوب و ویرانگری در افغانستان، روسها هم با نظر اندازی به عواقب این ماجراجویی نظامی برای خودشان، به نتایج دیگر رسیدند. امروز رسانه های روسیه شش جدی را یک روز سیاه در تاریخ شوروی وقت می نامند. سابقه این ارزیابی برمیگردد به مصوبه کنگره دوم نمایندگان مردمی اتحاد شوروی منعقد شده دسمبر ۱۹۸۹. در این مصوبه اعلام شده که «مداخله نظامی در افغانستان از نظر سیاسی و اخلاقی شایسته محکوم نمودن است». بتاريخ ۲۷ دسمبر ۲۰۱۸ آژانس خبری بین المللی روسیه بنام اسپوتنیک در نشراتی که به زبان دری برای افغانستان دارد، تحت عنوان «روز سیاه در تاریخ شوروی، به مناسبت روز ورود نیرو های شوروی به افغانستان» چنین نوشت: «در تاریخ ۲۵ دسمبر سال ۱۹۷۹ در ساعت ۱۵:۰۰ بعد از ظهر نیروهای شوروی از سرحد افغانستان عبور نمودند و جنگ افغانستان که ۹ سال و ۱ ماه و ۱۹ روز، مجموعاً ۳۳۳۸ روز، دوام کرد، آغاز گردید. برای پیشبرد این جنگ بیش از ۶۲۰ هزار تبعه شوروی (طبق معلومات دیگر بیش از یک میلیون نفر) از مرز افغانستان گذشتند».

علل داخلی تجاوز نظامی روسها از نظر سیوتنیک: در رابطه با علل تجاوز نظامی روسها به افغانستان در همین تحلیل سیوتنیک میخوانیم: « در سال ۱۹۷۸ کودتای ثور رخ داد و حزب دموکراتیک خلق افغانستان جمهوری دموکراتیک افغانستان را اعلام داشت. افغانستان به اساس اعلامیه رهبری حزبی، اعمار سوسیالیزم را آغاز کرد. در مسکو از این امر با توجه زیادی استقبال کردند. در رهبری شوروی برای «جهش» افغانستان از فیودالیزم به سوسیالیزم طرفداران زیادی وجود داشت.... شاید، این اولین اشتباه رهبران سالخورده شوروی با درک کورکورانه از مارکسیزم بود. زیرا فقط با اساس سوءتفاهم بزرگ رژیم رویکار آمده در کابل میتوانست به مثابه سوسیالیستی ارزیابی گردد». در مورد فرمان هاو اقدامات نخستین کودتاچیان در همین مقاله میخوانیم: « در کشور، در ماهیت امر، اصلاحات زراعتی با ناکامی مواجه گردید، آن را پیگردها و ستمگری فرا گرفته بود، نورم های دین اسلام بطور خشن پامال میشدند و با عدم درک کامل اقوام و قبایل از مفکوره های سوسیالیستی تلاش های اعمار زندگی اجتماعی طبق نمونه و مثال اتحاد شوروی با ناکامی مواجه میشد. اقوام قیام کردند. جریان مهاجران به خارج از کشور تشدید گردید. مداخلات باندها از پاکستان آغاز شد، بوی جنگ داخلی به مشام میرسید که شورش ضد حکومتی مورخ ۱۵ مارچ سال ۱۹۷۹ در هرات به نقطه اوج آن مبدل گشت. تره کی که امکان دیگر برای تحکیم موقف اش بر مسند قدرت نمی دید، از اتحاد شوروی در مورد ورود نیروها خواهش نمود، تا از بدترین سناریوی انکشاف حوادث جلوگیری نماید. بعدها چنین خواهشات بارها تکرار شدند و نه تنها تره کی، بلکه دیگر رهبران دولتی افغان آن را تکرار میکردند».

#### عوامل خارجی مداخله نظامی:

سیوتنیک مینویسد: « در اینجا باید تذکر داد که اوضاع در جهان، در شرق نزدیک و شرق اوسط در اواخر سالهای ۱۹۷۰ به نفع اتحاد شوروی که مواضع آن تضعیف شده بود، انکشاف نمی یافت. امکان از دست دادن افغانستان «سوسیالیستی» در مسکو نهایت دردناک تلقی میشد. در عین حال ایالات متحده مساعی را جهت کشاندن پای اتحاد شوروی به جنگ در افغانستان بعمل می آوردند. بطور مثال به اساس حکم شخص مارشال اوستینوف وزیر دفاع اتحاد شوروی بسیج وسیع قطعات و جز و تام های حوزه های نظامی ترکستان و آسیای میانه در سرحد با جمهوری دموکراتیک افغانستان آغاز گردید. این بزرگترین لشکرکشی اردوی شوروی بعد از ختم جنگ دوم جهانی بود.



(عکس صحنه تلاشی خانه به خانه متعاقب یکی از عملیاتهای ارتش روس در یکی از قریه های افغانستان را نشان میدهد. در همین نوع تلاشی ها جوانان قریه به ظن همکاری با باسملی ها دستگیر شده و به دست خاد سپرده میشوند. در حالی که هیچ شواهد و مدارکی علیه آنها وجود نداشت، خاد به زور شکنجه برای آنها دوسیه میساخت و روانه پولیگون یا زندان میشوند.)

در جریان دو هفته ده ها هزار نفر، با هزاران وسایط تخنیکي تانک ها، هلیکوپترها و زرهپوش ها بسوی سرحد افغانستان به حرکت افتادند. این حرکات نمیتوانست از دید امریکا پوشیده بماند. چرا امریکائیان قبل از عبور نیروهای شوروی به آنسوی مرز افغانستان هیاهوی برپا نکردند؟ چرا معلومات استخباراتی و مدارک اثباتیه «تجاوز شوروی» به قضاوت جامعه جهانی گذاشته نشد؟ شاید به خاطری که در واشنگتن زمامداران نمیخواستند بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست را که در حال لغزیدن به ماجراجویی مرگبار در افغانستان بود، بهراسانند؟»

تلفات نظامی، انسانی و اقتصادی شوروی: این تلفات را سپوتنیک چین بر می شمارد: « در جنگ افغانستان شوروی تلفات بس بزرگ مادی، سیاسی، معنوی و اخلاقی را متحمل گردید. تلفات

رسمی اردوی اتحاد شوروی را بیش از ۱۵ هزار نفر تشکیل داده. تعداد زخمیان ۵۳۷۵۳ نفر (از جمله آنها ۱۰۷۵۱ نفر معیوب ماندند). ولی نظامیان که در خاک اتحاد شوروی در شفاخانه ها به اثر زخم های که در جریان عملیات محاربوی در افغانستان برداشته بودند، میمردند، در احصائیه رسمی تلفات جنگ در افغانستان شامل نمی باشند. به اساس تحقیقات پروفیسور دگروال ولانتین رونوف تلفات واقعی ۲۶ هزار نفر کشته ارزیابی میشوند که از جمله ۲۹۹۰ تن افسر می باشند. از نقطه نظر مالی جنگ برای اتحاد شوروی به بهای تقریباً ۷۰-۸۰ میلیارد دالر تمام شده است. بر علاوه، قیام کنندگان مقدار عظیم تسلیحات و تخنیک محاربوی را از بین برده اند.»

عواقب سیاسی جنگ برای افغانستان: از نظرسپوتنیک: «جنگ شوروی جنگ داخلی دوامدر و رویارویی نظامی نیروهای مختلف داخلی و خارجی در افغانستان را که اینک تقریباً ۴۰ سال ادامه دارد، تحریک نمود. این جنگ بنیادگرایی اسلامی را به شور آورد. مشخصاً در افغانستان در مبارزه با اتحاد شوروی «القاعده» تشکیل شد و اسامه بن لادن نخستین گام های در راه ترور بر میداشت. در همین جنگ اولین هسته های جنبش «طالبان» سازماندهی شدند. از همین جنگ دانه سرطان تروریزم اسلامی ریشه های خود را به سراسر جهان توسعه بخشید... در افغانستان گرسنگی بوجود آمد و اقتصاد شوروی نمی توانست این کشور را تامین کند. بسیاری چیزها برای اتباع خود کشورشوروی کفایت نمی کرد.» سپوتنیک نه به تلفات میلیونی انسانی افغانستان اشاره ئی میکند، و نه به نابودی زیربنا های عنعنوی و جدید اقتصادی افغانستان و نه به تخریب بیش از ۵ هزار قریه و بخشی از باشندگان آن. زیرا از این هراس دارد که همچو اشاره ئی اعتراف غیر مستقیم به ارتکاب جنایات جنگی و ویرانگری روسها در افغانستان تلقی شده و افغانستان غرامات جنگی مطالبه کند.

عواقب سیاسی جنگ برای شوروی: سپوتنیک مینویسد: «جنگ نفوذ اتحاد شوروی را تضعیف کرد، به تشدید فشار اقتصادی و تکنالوژیکی بر اتحاد شوروی از جانب غرب منجر گردید و پدیدههای بحرانی را در خود اتحاد شوروی تشدید نمود. جنگ به شکست اتحاد شوروی در «جنگ سرد»، در ساحه نظامی — استراتژیک جهانی بین دو ابرقدرت و از هم پاشی سیستم های اجتماعی- سیاسی و بلاک نظامی، مساعدت نمود.»

این بود نکاتی از محتوی مقاله آژانس خبری بین المللی سپوتنیک.

آیا واقعاً امریکا رولی در تجاوز نظامی روسها به افغانستان داشت؟

صفحه تاریخ در وبسایت رسمی وزارت خارجه امریکا تا حال در این مورد موضع انکار را دنبال میکند. این صفحه از رئیس جمهور کارتر بخاطر طولانی شدن سیاست «منتظر باش و ببین» اش در رابطه با انکشافات ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ افغانستان انتقاد میکند. اما برژنسکی مشاور امنیت ملی جیمی کارتر در جنوری سال ۱۹۹۸ در انترویو با مجله فرانسوی « له نوئل آبرواتور» چنین گفته است: « بتاریخ ۳ جولای ۱۹۷۹ رئیس جمهور کارتر نخستین هدایت تسلیمدهی مخفیانه کمک به مخالفین رژیم طرفدار شوروی را امضا کرد. من همان روز به او نامه نوشتم و در آن توضیح کردم که به نظر من این کمک میتواند تجاوز نظامی شوروی به افغانستان را در قبال داشته باشد». در همین انترویو برژنسکی پذیرفت که اداره کارتر: « آگاهانه به وسعت دان این احتمال پرداخت» که روسها به افغانستان حمله نظامی کنند. برژنسکی سپس اضافه نمود: « در همان روزی که نظامیان روس رسماً سرحد افغانستان را عبور کردند، به رئیس جمهور کارتر نوشتم حالاً ما آن فرصت را داریم تا به روسها جنگ ویتنام شان را پس بدهیم.»

البته اینکه حکومت امریکا به تنظیمها کمک مخفی فرستاد یا در برابر تدارکات قبلی نظامی روسها برای تجاوز نظامی به افغانستان قصداً سکوت نموده و منتظر افتادن روسها به گفته برژنسکی به تلک بود، از مسؤلیت رهبری اتحاد شوروی وقت و روسیه فدراتیو امروز در قبال خسارات بشری، مادی و معنوی و جنایات بیشماری در حق مردم افغانستان نمی کاهد. اما امریکا به سهم خود از نظر اخلاقی در این رابطه مسؤلیت تاریخی دارد. چه قابل پیش بینی بود که عواقب تجاوز نظامی روسیه و عملیات استخباراتی حکومت ایالات متحده در مقابل آن افغانستان را به کشتارگاه مردمش مبدل میسازد. اما حکومت شوروی از یکسو و حکومت امریکا از جانب دیگر برای ارضای بلند پروازی های استراتژیک خود گزینه زور آزمائی در افغانستان را انتخاب کردند. در طول ده سال اشغال، به گفته آژانس خبری سیوتنیک حمعاً یک میلیون روس در افغانستان جنگیدند. اینها افغانها را از زمین و هوا به گلوله بستند و حد اقل یک و نیم ملیون انسان کشور ما را به شهادت رسانده و صد ها هزار معیوب از خود بجا گذاشتند. ابرقدرت دیگر یعنی امریکا میلیار ها دالر برای رسیدن به هدف شکست روسها در افغانستان به کیسه آ.اس.آی ریخت تا آ.اس.آی بحیث اجیر امریکا و بخاطر اهدافی که خود پاکستان در افغانستان داشت با سوار ساختن تنظیمهای خود ساخته بر گرده جنبش خودجوش ضد روسی افغانستان، این جنبش را به کجراه اسلام سیاسی کشاند و در مسیر اهداف امریکا و پاکستان هدایت نمود. مردم ما با قربانی های بزرگ روسها را شکست دادند و سر انجام حکومت دست نشانده هم ساقط شد. اما ما حاصل

پیروزی شان را قبلاً حکومت های پاکستان و عربی و غربی دزدیده بودند و امریکا و متحدین به محض رسیدن به اهداف خود ، منطقه را ترک نموده و سرنوشت مردم وکشور افغانستان را به نظامیان پاکستان و دست پرورده های آنها سپردند. بحرانی بشری، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی که با کودتای خونین هفت ثور آغاز یافت و با سانحه ۶ جدی گسترش یافت، هنوز هم ادامه دارد اما با بازیگران دیگر. امید چند سال بعد یک برژنسکی دیگر راز های رویداد های اخیر افغانستان را نیز افشا کند.

### تبصره:

رهبران حزب منحلۀ دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) که اکنون در اقصی نقاط جهان، بخصوص در اروپا پراکنده اند، هیچگاهی قلم برای نوشتن حقایق دوران قدرت شان بدست نگرفته اند. البته کتابهایی نوشته شده وبا قطع زیبا به چاپ رسیده اند، اما محتوی آنها چیزی جز تقلا برای برائت دادن و قهرمان نشان دادن خود و جناح خود و حمله به جناح های دیگر ندارند. در رابطه با حوادث و رویداد های کشور، این نویسندگان همان دروغ های رسانه های دولتی آن زمان را با همان ادبیات کلیشه ئی و متروک تکراراً مینویسند. این نوع کتاب ها کمکی به تاریخ نویسان در جهت تثبیت حقایق نمیکند. از جانب دیگر با امتناع از نوشتن حقایق، جنایات انجام شده پوشیده نمی ماند. آن جنایات در واقع از جانب سازمانهای بین المللی حقوق بشر، گزارشگر ملل متحد (داکتر آرماکورا) ، کمیساری عالی متحد برای پناهندگان و ده ها سازمان معتبردیگر مستند سازی شده است. جنرالهای روس که در افغانستان کار کرده اند نیز کتابهایی نوشته اند که حاوی افشاگری ها حد اقل در مورد افغانهایی که برای شان کار میکردند، میباشدند. مقاله سپوتنیک مثالی است از نوشته های سایر رسانه های روسی در مورد رویداد های ۱۴ سال حاکمیت پرچم وخلق. این ها همه مواد مورد استفادۀ تاریخ نویسان خواهد بود. حقایق را با خود به گور بردن بار مسؤلیت رهبران حزبی و دولتی ئی را که مسؤلیت بحران ۴۲ سالۀ افغانستان را بدوش میکشند، سنگین تر میسازد، نه سبکتر.

(کمیته حقوق بشر فارو)